

معرفی کتاب «یک سرباز جدید برای یاجوج کبیر»

دعوتی از آن سوی تاریکی



● عنوان: یک سریاز جدید برای یأجوج کبیر

● نویسنده: سید میثم موسویان

● ناشر: کمیکا

● تعداد صفحات: ۲۱۱

● توضیحات:

این کتاب با بهره‌گیری از عناصر فانتزی، به

موضوعاتی همچون هویت، بلوغ، اضطراب،

دوستی و مسئولیت‌پذیری می‌پردازد و

در عین حال، نگاهی به تاریخ و اسطوره‌های

کهن نیز دارد.

شاید تو هم دوست داری کل روزت را در بازی‌های رایانه‌ای بگذرانی یا بیشتر وقتت را دراز بکشی جلوی تلویزیون و از تماشای فیلم‌های مورد علاقه و مشهور روز لذت ببری. شاید تو هم فکر می‌کنی مادر و پدرت نه‌تنها تو را نمی‌فهمند، بلکه متوجه خیلی چیزهای دیگر هم نمی‌شوند و فقط دوستانت تو را درک می‌کنند.

اگر به فکر چاره هستی، من یک پیشنهاد جذاب برایت دارم! تو می‌توانی به لشکر یاجوج کبیر بپیوندی، تحت آموزش‌های خیلی ساده، قدرت‌های خیلی ویژه به دست آوری. اگر شرایط عضویت را می‌خواهی، باید به سراغ این کتاب بروی.

داستان کتاب

شهاب فرید، پسر ۱۴ ساله‌ای است که درگیر چالش‌های دوران بلوغ از جمله در رابطه با والدینش است و در این میان تولدش هم آن‌طور که دوست دارد برگزار نمی‌شود. یک تولد حوصله‌سربر سه‌نفره که در آن خبری از هدیه‌ای که آرزویش را داشت هم نیست. پدرش در یک قدمی خرید دسته برای کنسول بازی بود که ناگهان تصمیم به خرید یک تکه سنگ با شکل و شمایل گوشی همراه می‌گیرد؛ آن هم از پیرمردی که مدعی بوده این سنگ جادویی است. او که پسر چهارساله نیست این چیزها را باور کند؛ اما این سنگ چندان هم معمولی نبود؛ گیرنده‌ای بود حاوی پیام یاجوج کبیر.

تاریخ، خیال و واقعیت

داستان به صورت اول شخص و با زبان ساده، تا حدی ملموس و متناسب با مخاطبش روایت می‌شود؛ البته برای شمایی که یازده دوازده سال را رد کرده‌ای؛ چون هرچند در جایی شهاب اشاره می‌کند که یک پسر ۱۴ ساله است، اما نوع بیان، توصیفات، کنش‌ها و حتی تصویرگری جلد و صفحات، برای سنین پایین هم می‌تواند جالب باشد.

در کنار روایت اصلی، نویسنده به چالش‌های دوران بلوغ، روابط خانوادگی، چالش‌های مدرسه و دوستی‌ها می‌پردازد و حتی به لزوم جلسات مشاوره با روان‌شناس برای حل چالش‌های نوجوانی اشاره می‌کند؛ هرچند که جا داشت بهتر این کار را انجام می‌داد. فضای داستان،

ترکیبی از واقعیت و خیال است؛ جایی که قدرت‌های ویژه، مربیان عجیب‌الخلقه و ترسناک و تمرین‌های غیرعادی، با طنز و نگاه انتقادی به زندگی و دغدغه‌های واقعی مخاطب کتاب گره خورده‌اند.

چرا این کتاب را بخوانیم؟

نویسنده با بهره‌گیری از عناصر فانتزی، به موضوعاتی همچون هویت، بلوغ، اضطراب، دوستی و مسئولیت‌پذیری می‌پردازد و در عین حال، نگاهی به تاریخ و اسطوره‌های کهن نیز دارد. درباره ماجرای یأجوج و مأجوج و اسیر شدنشان پشت سدی بلند از آهن و مس به دست ذوالقرنین چیزی شنیده‌اید؟ درباره قوم یأجوج و مأجوج روایت‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آن‌ها این قوم را

به قوم مغول نسبت داده است. نویسنده نیز با دستکاری این روایت و حتی ایجاد تحول در شخصیت مأجوج، واقعیت و خیال را درهم آمیخته است. با توجه به فضای داستان، علاقه‌مندان به داستان‌های ترسناک یا موجودات عجیب نیز می‌توانند از مطالعه این اثر لذت ببرند.

برشی از متن کتاب

«اووه، هر دو با هم رسیده‌ایم. پای من کمی می‌لنگد و او آن‌قدر به سرش ضربه خورده که گیج راه می‌رود. با دیدن من شروع می‌کند به گرفتن حجم و من هم همین کار را می‌کنم و البته او از من ماهرتر است. «بزرگ شو، بزرگ شو.»»

حالا دو برابر من است و این‌طوری این مرحله را باخته‌ام.

یکه‌و فکری به سرم می‌زند و می‌گوییم: «کوچک شو،
کوچک.» او بزرگ شده، درست اندازه فیل و من کوچک
شده‌ام به اندازه سوسک. او سر می‌چرخاند تا من را ببیند و
من آرام روی پوستش راه می‌افتم به سمت گوشش.
کافی است وقتی توی مغزش هستم، بزرگ شوم؛
نه خیلی بزرگ، به اندازه یک بچه‌گربه یا حتی توله‌سگ و
نه بیشتر. مغز اوست که یکه‌و می‌ترکد.